

جمشید و پرومته؛ تحلیل و واکاوی اسطوره جمشید در شاهنامه فردوسی و اسطوره پرومتئوس از هسیودوس بر روش تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

شکیبا ملکشاهی، حسین بیات*، ناصرقلی سارلی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

سال هجدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۸، صص ۹۷-۷۵

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7752>

نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی
(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف رویکردی نوین در مطالعات تحلیل گفتمان است که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران علوم انسانی بویژه در مطالعات ادبی قرار گرفته است. ادبیات ملتها را میتوان در چارچوب نقد زیانناختی و گفتمان انتقادی بخوبی تحلیل و تفسیر نمود. اسطوره جمشید در شاهنامه و داستان پرومته در اساطیر یونان از جمله دو داستان اساطیری هستند که با بنمایه‌های مشترک فراوان گفتمان غالب از نبرد نیکی و بدی، دور شدن از قره ایزدی و تلاش برای موازنه قدرت را نشان میدهند. هدف اصلی جستار پیش‌رو تحلیل و بررسی اسطوره جمشید در شاهنامه و اسطوره پرومتئوس از منظومه هسیودوس بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف میباشد.

روش پژوهش: روش پژوهش در این مقاله توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از نقد زیانناختی با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف بمنظور بررسی دو داستان اساطیری جمشید از شاهنامه و اسطوره پرومتئوس از هسیودوس (هزیود) میباشد.

یافته‌های پژوهش: یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در سطح توصیف عوامل انسجام واژگانی (تکرار)، تضاد و هم‌معنایی، تناسب و انسجام دستوری در هر دو داستان مورد توجه قرار گرفته است. در سطح تفسیر بر اساس اصل بینامتنیت، هر دو داستان دارای ریشه‌ها و بنمایه‌های مشترک معنایی هستند و در سطح تبیین، داستان جمشید و پرومته انعکاسی از ساختار اجتماعی عصر اساطیری و کهن است.

نتایج پژوهش: در سطح توصیف انسجام واژگانی در قالب تکرار اسامی و ضمایی است که بلحاظ ایدئولوژی بر بافت موقعیتی جمشید و پرومته تأکید و تکیه دارد. تناسب‌های معنایی نیز در هر دو داستان در خدمت تأکید بر ماهیت و شخصیت این دو میباشد و واژه‌هایی که قدرت، جنگاوری، ادوات جنگی، تقابل خیر و شر و نیکی و بدی را میرساند بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. در حیطه تفسیر و تبیین، هر دو داستان اشتراکات فراوانی دارند از جمله گرفتاری و به بند کشیده شدن جمشید و پرومته و خشم ضحاک و زئوس. حذف و جانشینی، تضادمعنایی، زنجیره هم طبقه و هم مرجع در هر دو داستان در راستای القای ایدئولوژی قدرت جمشید و عصیان پرومته در مقابل زئوس است. نیز اشتراکات مفهومی و بینامتنی میان دو داستان در سطح تبیین و نبرد خیر و شر در سطح تفسیر که برآیند کنش اجتماعی انسان عصر اساطیری است، حائز اهمیت میباشد.

تاریخ دریافت: ۲۵ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ داوری: ۲۷ شهریور ۱۴۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۲ مهر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴ آبان ۱۴۰۳

کلمات کلیدی:

پرومتئوس، اسطوره جمشید، فرکلاف، شاهنامه، هسیودوس.

* نویسنده مسئول:

h.bayat@khu.ac.ir

۸۸۳۲۹۲۲۰ (+۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Jamshid and Prometheus; Analyzing the myth of Jamshid in Ferdowsi's Shahnameh and the myth of Prometheus from Hesiod by analyzing Fairclough's critical discourse.

Sh. Malekshahi, H. Bayat*, N. Gholi Sarli

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 15 August 2024
Reviewed: 17 September 2024
Revised: 03 October 2024
Accepted: 16 November 2024

KEYWORDS

Prometheus. The legend of Jamshid. Fairclough. Shahnameh. Hesiod

*Corresponding Author

h.bayat@khu.ac.ir

(+98 21) 88329220

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Norman Fairclough's critical discourse analysis is a new approach in discourse analysis studies that has attracted the attention of many humanities researchers, especially in literary studies, in recent decades. The literature of nations can be well analyzed and interpreted in the framework of linguistic criticism and critical discourse. The legend of Jamshid in the Shahnameh and the story of Prometheus in Greek mythology are among the two mythological stories that, with many common themes, show the dominant discourse of the battle of good and evil, moving away from the Yazidi sphere and trying to balance power. The main goal of the upcoming essay is to analyze and investigate the myth of Jamshid in the Shahnameh and the myth of Prometheus from Hesiod's system based on Fairclough's critical discourse analysis approach.

METHODOLOGY: The research method in this article is descriptive-analytical based on library studies and using linguistic criticism with Fairclough's critical discourse analysis approach in order to examine two mythological stories of Jamshid from the Shahnameh and the myth of Prometheus from Hesiod.

FINDINGS: The findings of the research indicate that at the level of describing factors of lexical cohesion (repetition), contrast and synonymy, proportionality and grammatical coherence have been considered in both stories. At the level of interpretation based on the principle of intertextuality, both stories have common roots and bases of meaning, and at the level of explanation, the story of Jamshid and Prometheus is a reflection of the social structure of the mythological and ancient era.

CONCLUSION: At the level of description, lexical cohesion is in the form of repetition of nouns and pronouns, which, in terms of ideology, emphasizes and relies on the situational context of Jamshid and Prometheus. The semantic proportions in both stories serve to emphasize the nature and character of the two, and the words that convey power, warfare, war tools, opposition between good and evil, and goodness and evil have been given more attention. In the field of interpretation and explanation, both stories have a lot in common, including Jamshid and Prometheus' imprisonment and the anger of Zahak and Zeus. Deletion and replacement, semantic contrast, the chain of the same class and reference all in both stories are in line with the ideology of Jamshid's power and Prometheus' rebellion against Zeus. Also, the conceptual and intertextual similarities between the two stories at the level of explanation and the battle between good and evil at the level of interpretation in both stories, which are the result of the social action of the mythological era man, are important.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7752>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 26	 0	 3

مقدمه

تحلیل گفتمان^۱ که در زبان فارسی به «سخنکاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» ترجمه شده، مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ م تا اواسط دهه ۱۹۷۰ م در پی تغییرات گسترده در رشته‌هایی چون جامعه‌شناسی، روانشناسی اجتماعی و ادراکی، شعر، زبانشناسی و نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علاقه‌مند به مطالعه نظام‌مند کارکرد و فرایند تولید گفتار، نوشتار و ساختار، ظهور نمود. این گرایش بدلیل بینارشته‌ای بودن، بعنوان یکی از روشهای کیفی در حوزه مطالعات زبانشناسی انتقادی، علوم اجتماعی، ارتباطات و علوم سیاسی مورد استقبال واقع شد. اصطلاح «تحلیل گفتمان» نخستین بار در مقاله‌ای از «زلیک هریس^۲» که با نگرشی صورت‌نگرایانه به مسأله تحلیل گفتمان پرداخته بود، مطرح گردید. از مهمترین رویکردها در این باره، رویکرد زبانشناسی انگلیسی، نورمن فرکلاف است. بنیان نظریه فرکلاف بر واژه گفتمان است. در شیوه تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف، ساختار نحوی متن در کانون تمرکز و توجه قرار میگیرد و بر این اساس در فرایند تولید متن، تبادل و تعامل میان ساختار اجتماعی اثر و ساختار نحوی متن در هم آمیخته میشود. در این تعامل دوسویه، دو محور اصلی مورد توجه قرار میگیرد که عبارت است از قدرت و ایدئولوژی. طبق نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، هر متن از شرایط و محدودیتهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر خویش تأثیر میپذیرد از این رو ردهای یک ایدئولوژی غالب را میتوان در اثر مشاهده نمود؛ چرا که یک متن بعنوان یک ارزش اجتماعی، حاصل انگیزه‌های فکری، جهانبینی و ایدئولوژی صاحب اثر است. هدف فرکلاف از تحلیل گفتمان انتقادی در بخش توصیف، تبیین و تفسیر، روشمند کردن مبانی تئوری خود بود. از نظرگاه فرکلاف و بر اساس نظریه تحلیل گفتمان، در یک ساختار اجتماعی و نظامهای ارائه قدرت، گفتمانها تولید میشوند و به وسیله متون بازنمایی میشوند. بنابراین گفتمان یک رخداد ارتباطی است و هویت فردی و جمعی افراد را تعیین میکند. فرکلاف از تحلیل گفتمان برای عمل زبانی بهره برد. در نظریه او جامعه بدون ایدئولوژی وجود ندارد لذا فرکلاف بعنوان زبانشناس اجتماعی، زبان را کنشی اجتماعی بشمار آورد و ادعان نمود که صورتهای زبانی، همگی شکلی از تولید ایدئولوژی و مناسبات قدرت است (ر.ک فرکلاف، ۱۳۷۹: صص ۱۲-۱۹).

مسأله اصلی در پژوهش پیش رو آن است که با تحلیلی تطبیقی میان اساطیر ایران و یونان، دو اسطوره جمشید و پرومتهوس از شاهنامه و متن اساطیری منظوم هسیودوس بروش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف در سطوح سه گانه تفسیر، تبیین و توصیف مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد تا به این پرسشهای اساسی پاسخ دهیم که از دیدگاه روابط قدرت در نظریه فرکلاف چگونه میتوان بتحلیل و ارزیابی این دو داستان پرداخت و روابط همنشینی و جاننشینی واژگان در سطح توصیف در اسطوره جمشید در شاهنامه و اسطوره پرومتهوس در یونان چگونه در خدمت گفتمان متن قرار میگیرد و روابط دستوری و ابزارهای نحوی در این دو اسطوره به چه شکل بر گفتمان متن تأثیر میگذارند؟

ضرورت و اهمیت پژوهش

بررسی و تحلیل متون کهن بر پایه رویکردهای نوین ادبی از یک سو میزان انطباق این نظریه‌ها را با آثار کلاسیک ادبیات ایران و جهان آشکار مینماید و از دیگر سو دریچه‌ای تازه از محتوای این آثار را به روی خوانندگان عصر حاضر میگشاید آنچه‌ان که در پژوهش پیشرو با کاربردی رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف توانسته‌ایم

۱. Discourse analysis

۲. Zellig Harris

به لایه‌های باطنی و زیرین متن در اسطوره جمشید در شاهنامه و اسطوره پرومتئوس در اشعار منظوم هسیودوس دست یابیم.

داستان جمشید در شاهنامه و اسطوره «پرومته» در اساطیر یونان هر دو از جمله داستان‌هایی هستند که از ارزش و جایگاه قابل ملاحظه‌ای برخوردارند و در خصوص گفتمان‌کاوی این دو داستان بر پایه رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تاکنون پژوهشی منتشر نشده است. این جستار نخستین گام در تحلیل تطبیقی اسطوره جمشید و پرومته در ادبیات فارسی ایران و جهان است که به واکاوی و تحلیل این موضوع میپردازد؛ اهمیت مطالعه پیش‌رو زمانی آشکار می‌شود که بدانیم در راستای نقد و تحلیل گفتمان قدرت از منظر فرکلاف میتوان اسطوره را نه بعنوان نظامی بی‌طرف، خنثی و صرفاً امری توصیف‌کننده بشمار آورد، بلکه بعنوان نوعی برساخته ایدئولوژیک و هژمونیک که در دست نهادهای معطوف با قدرت است به آن میتوان توجه نمود. قدرتی نه صرفاً در معنای مدرن آن بلکه در معنای تجربه‌ای دیرینه که مناسبات سیاسی و اجتماعی خاص را میتواند باز تولید نماید.

پیشینه پژوهش

در حیطه ادبیات جهان، از نخستین افرادی که به رویکرد انتقادی پرداخته‌اند میتوان به راجرفاولر و همکاران وی اشاره نمود. وی در دانشگاه ایست انگلیا به این نکته توجه نمود که قدرت و ایدئولوژی بعنوان دو مفهوم اصلی اجتماعی میتواند به کمک زبان در متن مطرح شود. مطالعات و بررسیهای فاولر منجر به شکل‌گیری زبان‌شناسی انتقادی شد و سپس با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی» در اندیشه‌های نورمن فرکلاف مطرح گردید. پس از وی در مقدمه کتاب «زبان، ایدئولوژی و زاویه دید» اثر پاول سیمپسون نیز به ارتباط بین زبان‌شناسی انتقادی و سبک توجه شد. یکی از اصیلترین کتب مرجع جهت بررسی تحلیل انتقادی گفتمان کتاب «تحلیل انتقادی گفتمان» از نورمن فرکلاف ترجمه شایسته پیران و همکاران (۱۳۷۹) است. زبان، ایدئولوژی، قدرت، باز نمود گفتمان در زمانه، تحلیل متن از جنبه زبان‌شناختی، تفسیر و تبیین در تحلیل گفتمان فصول سه‌گانه این کتاب میباشد. کتاب «نظریه‌های گفتمان» اثر مک‌دانل ترجمه نوذری (۱۳۸۰) که از جمله کتب مرجع حوزه گفتمان است که در این کتاب شرحی از مفهوم «گفتمان» و «خاستگاه‌های نظری گفتمان» سخن گفته است. در این کتاب تأثیر گفتمان‌های مختلف و ارتباط گفتمان با نهادهای مختلف از ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ م را مورد بحث و بررسی قرار میدهد. مک‌دانل (۱۳۸۰)، در کتاب «نظریه‌های گفتمان»، ترجمه حسینعلی نوذری، به بررسی اصول اصلی و پایه‌های نظریه گفتمان انتقادی پرداخته است. وپانک و بوگیو (۲۰۱۴) در بررسی و مطالعه‌ای با عنوان «گفتمان انتقادی سرفصلهای روزنامه‌های سندی، اردو و انگلیسی» به بازنمایی اخبار مشابه در روزنامه‌های محلی به روشهای مختلف که از نظر ایدئولوژیک مورد بحث قرار میگیرند از منظر تحلیل گفتمان انتقادی، پرداخته‌اند. این مطالعه انتقادی نشان میدهد که ایدئولوژی پنهان سردبیران روزنامه‌ها، علاقه‌مندی به برانگیختن افکار عمومی با شکلگیری و استفاده از واژگان احساسی است. علاوه بر این، ابزارهای زبانی CDA (تحلیل گفتمان انتقادی) نیز در این مطالعه مدنظر قرار میگیرد. اهمیت این مطالعه در عبارت‌بندی یا واژگان روزنامه‌هاست که بهترین شیوه بازنمایی ایدئولوژی است. کتاب «فرهنگ اساطیر یونان و رم» نوشته پیر گریمال. در این کتاب، داستانها، قهرمانان و خدایان یونان و رم باستان از ابتدا که «روایت محاصره شهر تروا» است تا مأموریت یافتن برای یافتن پشم زرین و شخصیت‌های اساطیری همچون هرکول و جونو مطالعه میگردند. در رابطه با گفتمان قدرت در شاهنامه بررسیهای متعددی انجام شده است که بلحاظ رویکرد علمی، اغلب پژوهشگران بررسیهای گفتمانی براساس نظریه انتقادی فوکو در بخش پهلوانی شاهنامه

یا بررسی شخصیت‌های اساطیری و مقایسه آنها با اساطیر یونان را در دستور کار خود داشته‌اند. کتاب «تراژدی قدرت در شاهنامه» نوشته مصطفی رحیمی. این کتاب قدرت را از جنبه‌های گوناگونی مانند رابطه «قدرت و خرافات»، «قدرت و آنارشیسم»، «قدرت و مارکسیسم» و «قدرت طلبی در ایران» مطالعه کرده و همچنین روابط قدرت را در دو داستان «رستم و اسفندیار» و «رستم و سهراب» تحلیل کرده است. از مقالات انجام شده نیز میتوان به برخی از پژوهشها اشاره نمود: «تحلیل زبان‌شناختی داستانهای اساطیری شاهنامه در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف» نوشته شهرزاد بهمنی و همکاران که به بررسی داستان شخصیت‌های اساطیری با توجه به لایه اول گفتمان فرکلاف یعنی «سطح توصیف» پرداخته است. در این مقاله ویژگیهای صوری و دانش زبانی تحلیل شده است، به این صورت که واژگان را در سه سطح ارزشی: تجربی، رابطه‌ای و بیانی طبقه‌بندی و موارد انسجام واژگانی و دستوری متن را براساس نظریه هلیدی بررسی کرده اند. «گفت‌وگو و تحلیل روابط قدرت در داستان رستم و اسفندیار» نوشته کرمی و حیدری. این مقاله تعارض درونی ساختار قدرت و مقاومت در برابر گفتمان غالب قدرت را با توجه به دو شخصیت برتر پهلوانی شاهنامه استاد توس بررسی میکند و از میان شگردهای مختلفی که در جریان داستان وجود دارد، به تحلیل مکالمه و گفت‌وگو بمثابة بخشی از تحلیل گفتمان انتقادی میپردازد.

روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش به صورت کیفی و توصیفی-تحلیلی است. برای گردآوری داده‌ها از جست‌وجوی کتابخانه‌ای و مطالعه منابع معتبر بهره‌مند شده‌ایم. جهت بررسی متن، با استفاده از شیوه تحلیل گفتمان، از روش تحلیل لایه‌ای نورمن فرکلاف در سه سطح «توصیف»، «تفسیر» و «تبیین» استفاده میشود. جامعه آماری مورد استفاده شامل داستان جمشید از شاهنامه بر اساس نسخه تصحیح شده جلال خالقی مطلق و داستان پرومته از «تئوگونی هسیودوس» اثر هسیودوس از مجموعه اساطیر یونان میباشد که در متن مقاله به صفحات نسخه الکترونیکی کتاب (فیدیبو) ارجاع داده شده است.

بحث و بررسی

تبارشناسی گفتمان و تحلیل گفتمان

واژه گفتمان که سابقه آن بنا بر برخی منابع به قرن ۱۴ میلادی بر میگردد (آفاگل‌زاده، ۱۳۹۲: ص ۱۸) از واژه فرانسوی Discourse و لاتین Discourses به معنی گفت‌وگو، محاوره گفتار و از واژه Discurer-Discursum به معنی طفره رفتن، سرباز زدن از چیزی، تعلل ورزیدن و ... گرفته شده است. در فرهنگ و بستر این اصطلاح از فعل یونانی discurrere گرفته شده است که در زبان باستانی و کهن بمعنای طرز عمل، تفکر و ظرفیت مورد توجه قرار گرفته است. معادل‌های فارسی که برای واژه Discourse در نظر گرفته شده است «گفتار»، «سخن»، «کلام» و «گفتمان» میباشد (ر. ک قهرمانی، ۱۳۹۳: ص ۲۱). تحلیل گفتمان از زیرشاخه‌های مطالعات زبان‌شناسی انتقادی است که رویکردی بینارشته‌ای محسوب میشود و نخستین بار در سال ۱۹۵۲ م زلیک هریس^۱ زبان‌شناس شهیر انگلیسی در مقاله خود این اصطلاح را بکار برد. اظهار داشت که تحلیل گفتمان، نگاهی

۱. Zellig Harris

ساختارگرایانه و صورتگرایانه به جمله و متن می‌باشد (ر.ک مک دانل، ۱۳۸۰: ص ۲۲). بعد از وی، اندیشمندان و زبان‌شناسانی چون فوکو^۱، دریدا^۲ و نورمن فرکلاف^۳ و دیگر اندیشمندان برجسته، این نظریه تکمیل شد و از حالت تحلیلی صرفاً زبان‌شناسی، خارج گردید و به تأثیر موقعیتهای اجتماعی در شکلگیری یک گفتمان توجه نشان داده شد. «وان دیک^۴ در توضیح معنایی گفتمان، گفتمان را شکلی از کاربرد زبان میداند، آنگونه که در زبان روزمره و فرهنگهای لغات به کار می‌رود» (میرفخرایی، ۱۳۸۴: صص ۱۱).

نظریه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف

نورمن فرکلاف از نظریه‌پردازان برجسته و مطرح این عرصه برخلاف روش و جهت‌گیریهای یکسوگرایانه پیشین که تنها معطوف به جنبه‌های زبان‌شناختی بود، مطالعات خود را بر حیطه‌های اجتماعی، سیاسی و ایدئولوژیکی متمرکز ساخت. این دیدگاه جامع که دو محور تحلیل زبان‌شناختی و تحلیل اجتماعی را پوشش میداد سبب میشد تا سطوح و لایه‌های زیرین گفتمان که در تحلیل و پردازش یک متن تأثیر داشت، به لایه‌های بالایی بیاید و مورد توجه قرار گیرد. تحلیل گفتمان از دیدگاه فرکلاف بر سه پایه اصلی و اساسی استوار بود: نخست: زبانی که آن را به کار می‌بریم، دیدگاه خاصی نسبت به واقعیتهای اجتماعی و بیرونی است. دوم: گونه‌های مختلف گفتمان از عوامل اقتصادی و اجتماعی جدا نیست. سوم: زبان منعکس‌کننده تفاوت‌های ساخت‌های اجتماعی است تا جایی که زبان را میتوان بخشی از فرایند اجتماعی دانست (سلطانی، ۱۳۸۴: صص ۱۵۷). نورمن فرکلاف کوشید با استفاده از دستور نقش‌گرای هلیدی به بسط شیوه‌های تحلیل زبان بپردازد. فرکلاف نیز همچون هلیدی قائل به سه ساختار یا فرانش برای زبان است. فرکلاف تحلیل گفتمان را چنین توصیف می‌کند: «من گفتمان را مجموعه‌ای به هم‌تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن میدانم و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هریک از این سه بعد را طلب میکند. فرضیه ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر میشوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: صص ۹۷ - ۹۸). از دیدگاه فرکلاف، متن دارای کلیتی است که خود به آن وابسته است و همچنین مجموعه‌ای از عناصر داخل متن قرار دارند که نه تنها در ارتباط با یکدیگر هستند، بلکه مجموعه منسجمی را بوجود می‌آورند که به آن متن یا گفتمان می‌گویند. نورمن فرکلاف سه سطح (لایه) برای تحلیل گفتمانی متن معرفی میکند: لایه اول، گفتمان بمثابة متن که بر تحلیل متن متمرکز است. لایه دوم که وسیعتر از لایه اول است، گفتمان بمثابة تعامل فرایند تولید و تفسیر متن که عمل گفتمانی در سطح تفسیر بررسی میشود. لایه سوم که سطح کلان است، گفتمان بمثابة زمینه که عمل اجتماعی در سطح تبیین بررسی میشود. فرکلاف در کتاب تحلیل گفتمان انتقادی بتعریفی که از گفتمان دارد اشاره میکند و مینویسد: «من گفتمان را مجموعه به هم‌بافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن میدانم و تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هریک از این سه بعد و روابط میان آنها را طلب میکند. فرضیه ما این است که پیوندی معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌هایی که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند و تعبیر میشوند و ماهیت عمل اجتماعی وجود دارد»

۱. Michel Foucault

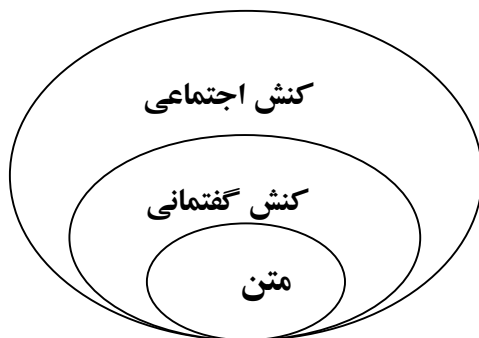
۲. Jacques Derrida

۳. Norman Fairclough

۴. Van Dijk

(همان: ص ۹۷). چنان‌که ملاحظه میشود، گفتمان در لایه کلان خود شامل کنش متنی، کنش گفتمانی و کنش اجتماعی است اما در معنای خاص، یکی از سطوح سه گانه است که میان سطح متنی و سطح اجتماعی جای میگیرد. سه عنصر اساسی گفتمان نزد فرکلاف با هم رابطه‌ای لایه‌ای و تودرتو دارند: چنان‌که متن در درون کنشهای گفتمانی قرار میگیرد، همان جایی که نحو، تولید، توزیع و مصرف متن را شکل میدهد. کنش گفتمانی نیز به نوبه خود در دل واحدی بزرگتر یعنی کنش اجتماعی قرار گرفته است؛ همان واحدی که باعث شکلگیری کنش گفتمانی میگردد (عضدانلو، ۱۳۹۰: ص ۱۷۶).

شکل شماره (۱) رابطه سه عنصر تحلیل گفتمان انتقادی با یکدیگر



سطوح تحلیلی در نظریه فرکلاف

فرکلاف اهداف اصلی تحلیل گفتمان انتقادی را این دو مورد میداند: ۱. کمک به تصحیح کم‌توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت و ۲. کمک به افزایش هوشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد؛ زیرا هوشیاری اولین قدم به سوی رهایی است (سلطانی، ۱۳۸۴: ص ۳۲). فرکلاف سه سطح را برای تحلیل متون ارائه میدهد که عبارت‌اند از: ۱. سطح توصیف: تحلیل متن ۲. سطح تفسیر: تحلیل کردار گفتمانی ۳. سطح تبیین: تحلیل کردار اجتماعی. در روش تحلیل گفتمان انتقادی، «ما با دو عنصر کلیدی سروکار داریم: بافت متن و بافت موقعیت» (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ص ۲۴). منظور از بافت متن این است که یک عنصر زبانی در شاکله چه متنی به کار رفته است و عناصر دیگر زبانی ماقبل و مابعد آن چه تأثیری در صورت، کارکرد و معنای آن دارند. بافت موقعیت موردنظر فرکلاف در واقع دو مقوله را شامل میشود: الف) مقوله فرامتنی ب) مقوله متنی. بافت موقعیت فرامتنی به جنبه‌های اجتماعی، تاریخی، سیاسی و خارج از متون که در شکلگیری و بازتولید کلام نقش آفرین بودند، میپردازد و مقوله متنی که از آن به عنوان پدیده بینامتنیت یاد میشود، روابط بین یک متن با سایر متون را مورد واکاوی قرار میدهد. از نظر فرکلاف تحلیل انتقادی گفتمان، تلفیقی است از تحلیل متن، تحلیل فرایندی تولید و توزیع و مصرف متن و تحلیل اجتماعی - فرهنگی رخداد اجتماعی به عنوان یک کل. فرایند و مراحل تحلیل در نظریه فرکلاف بسیار مهم است؛ زیرا ماهیت این نظریه، تحلیلی است. تحلیل انتقادی گفتمان مانند هر تحلیل دیگری مراحل گوناگونی دارد. فرکلاف خود در بیان مراحل گوناگون تحلیل انتقادی گفتمان با ارجاع به کتاب زبان و قدرت مینویسد: «الف: تحلیل متن، ب: تحلیل فرایندهای تولید، مصرف و توزیع متن، ج: تحلیل اجتماعی - فرهنگی رخداد گفتمانی به عنوان یک کل» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۱۹). در واقع رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان نزد فرکلاف، متن‌محور است و

تلاش میکند سه سنت را با هم تلفیق کند: تحلیل مفصل و دقیق متن در حوزه زبان‌شناسی (شامل گرامر کاربردی میشل هلیدی)، تحلیل جامعه‌شناختی کلان پرکتیس اجتماعی (شامل نظریه فوکو) و سنت تفسیری و خرد در جامعه‌شناسی (شامل تحلیل گفت‌وگو) (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶: ص ۱۱۷). فرایند و مراحل تحلیل نزد فرکلاف بر پایه همان عناصر اصلی و سه‌گانه گفتمان یعنی متن، گفتمان و اجتماع استوار گردیده است. «متن، تعامل و بافت اجتماعی به عنوان سه عنصر گفتمان مشخص شده بود و همچنین تمایزی بین سه مرحله از تحلیل انتقادی گفتمان یعنی توصیف متن، تفسیر رابطه بین متن و تعامل و تبیین رابطه بین تعامل و بافت اجتماعی صورت گرفته بود» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۱۶۷). بر همین اساس فرکلاف در رویکرد خود برای بررسی متن به معرفی سه سطح از روش تحلیلی میپردازد: سطح توصیف، سطح تفسیر و سطح تبیین. شیوه تحلیل فرکلاف بر پایه‌های زبان‌شناسی استوار است که بنظر وی تحلیل دقیق متون باید به جزء مهمی از تحلیل اعمال و فرایندهای اجتماعی و فرهنگی تبدیل شود و از اصول زبان‌شناسی مایکل هالییدی استفاده میکند که آن را یکی از نواقص کارهای فوکو نیز میدانند، باید ساختار متون دقیقاً بررسی شوند تا به محتوای متن دست یافت. الگوی سه وجهی فرکلاف تلاش میکند چارچوبی منسجم برای تحلیل متون و گفتمانها ارائه دهد. در این الگو جنبه‌های زبان‌شناختی گفتمان و ارتباط گفتمان با دیگر بخشها و عوامل سیاسی - اجتماعی بررسی میشود. فرکلاف، ابتدا از موضع زبان‌شناختی به متون انضمامی میپردازد و سپس گفتمانهایی را که متن به آنها متکی است شناسایی کرده و نحوه وابستگی آنها به نظریه‌های کلان اجتماعی را توضیح میدهد. در ادامه به بررسی تفصیلی هریک از سطوح تحلیل در نظریه فرکلاف میپردازیم.

سطح توصیف: در این سطح به نوع روابط معنایی کلمات توجه میشود؛ این مرحله به ویژگیهای ظاهری متن ارتباط دارد. مقصود از سطح توصیف، شناخت متن در چارچوب بافت متن و ربط منطقی بین واژگان و معنا است. توصیف، پیش‌فرض تفسیر و تبیین به حساب می‌آید. مرحله توصیف متنی به فضای یک متن یعنی متنی که مورد مطالعه است، محدود میشود. این مرحله با ویژگیهای صوری متن مانند واژگان، دستور و ساختهای متنی سروکار دارد. تحلیلگر در ارتباط با واژگان و دستور باید به پرسشهای مربوط به ارزشهای رابطه‌ای، ارزشهای بیانی و ارزشهای تجربی پاسخ گوید (فرکلاف، ۱۳۷۹: صص ۱۷۰-۱۷۱). در این سطح، متن براساس مؤلفه‌های زبان‌شناختی اعم از آواشناسی، واج‌شناسی، نحو، ساخت‌واژه یا صرف و معنی‌شناسی و تا حدودی کاربردشناسی توصیف و تحلیل میشود. در سطح توصیف برآنیم تا به سؤالات زیر در خصوص واژگان پاسخ دهیم: «کلمات واجد کدام ارزش تجربی هستند؛ به عبارت دیگر به لحاظ ایدئولوژیک نویسنده از چه ترفندهایی برای بسط فکر خود استفاده کرده است؟ چه نوعی از روابط هم‌معنایی، شمول معنایی و تضاد معنایی به لحاظ ایدئولوژیک بین کلمات وجود دارد؟ کلمات واجد کدام ارزش رابطه‌ای هستند؟ آیا عباراتی وجود دارد که بر حسن تعبیر دلالت کند؟ آیا کلماتی وجود دارد که رسمی یا محاوره‌ای باشد؟ در کلمات از کدام استعاره‌ها استفاده شده است؟ از نظر دستوری و ساختاری ویژگیهای دستوری واجد کدام ارزشهای تجربی هستند؟ جملات معلوم‌اند یا مجهول؟ جملات مثبت‌اند یا منفی؟» (همان: صص ۱۶۷ - ۱۷۱).

سطح تفسیر: تفسیر کنش گفتمانی به مطالعه بخش میانی گفتمان میپردازد و در نظریه تحلیل انتقادی گفتمان نقش کلیدی ایفا میکند. فرکلاف، درباره فلسفه وجودی مرحله تفسیر چنین میگوید: «مرحله تفسیر تصحیح-کننده این باور نادرست است که فاعلان در گفتمان مستقل هستند. این مرحله در حقیقت آنچه را که برای

مشارکین امری تلویحی است، بروشنی بیان می‌کند: «وابستگی کنش گفتمانی به پیش‌فرضهای تبیین‌ناشدهٔ مأخوذ از عقل سلیم و مندرج در دانش زمینه‌ای و نوع گفتمان» (همان:ص ۲۴۴).

سطح تبیین: مرحلهٔ سوم و پایانی، تبیین کنشهای اجتماعی است. فرکلاف در تشریح‌گذار از مرحله تفسیر به تبیین مینویسد: «میتوان از مرحلهٔ تفسیر به تبیین با توجه به این نکته گذر نمود که با بهره‌گرفتن از جنبه‌های گوناگون دانش زمینه‌ای بعنوان شیوه‌های تفسیری در تولید و تفسیر متون، دانش یادشده بازتولید خواهد شد» (همان:ص ۲۴۵)؛ بنابراین اگر در مرحلهٔ تفسیر، دانش زمینه برای پردازش گفتمان مورد توجه باشد، در تبیین موضوع تغییراتی وجود دارد که دانش زمینه میپذیرد و بازتولید و مطرح میشود. در این مرحله پرسشهایی از این نوع مطرح میشود: چه انواعی از روابط قدرت در سطوح گوناگون نهادی، اجتماعی و موقعیت در شکل‌دادن به گفتمان مؤثرند؟ چه عناصری در متن دارای خصوصیات ایدئولوژیک است؟ آیا گفتمان مورد بحث در خدمت روابط قدرت موجود است یا در جهت دگرگون ساختن آن؟ و سؤالهای دیگری از همین دست. در این سطح پژوهشگر باید متن را بعنوان جزء جدایی‌ناپذیر جریانات اجتماعی بحساب آورد؛ پس در این سطح متن را بررسی میکنند تا تأثیر قدرت در پرداخت یک اثر را نمایش دهند. در این سطح، گفتمان بمثابة یک عملکرد اجتماعی تلقی میشود و پژوهشگر به دنبال واکاوی نشانه‌های ایدئولوژی و قدرت در آن است.

تحلیل گفتمان انتقادی داستان جمشید و مقایسه با اسطوره «پرومتهوس»

همانگونه که در مقدمه ذکر شد رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در سه سطح انجام میگردد. در این قسمت برآنیم تا روایت اسطوره‌ای جمشید در شاهنامه و اسطوره پرومتهوس از هسیودوس را در این سطوح سه‌گانه تحلیل و بررسی کنیم؛ بدین منظور ابتدا خلاصه داستان هردو شخصیت اساطیری را از شاهنامه فردوسی و متن منظوم «تئوگونی» را مورد توجه قرار میدهیم.

درباره جمشید: جمشید یکی از مشهورترین پادشاهان اساطیری شاهنامه است که بر طبق متون برجای مانده از فارسی میانه بمانند مینوی خرد، از جمله معدود پادشاهانی بود که در تقدیر وی جاودانگی رقم خورده بود اما با فریب اهریمن و از سر بیخردی، به گناه آلوده میشود و قدرت نامیرایی و جاودانگی خویش را از دست میدهد (مینوی خرد: صص ۷۴ - ۷۵). بنا به گزارش فردوسی جمشید فرزند تهمورث دیوبند و چهارمین شه‌ریار از دودمان و سلسله پادشاهان پیشدادی است که پس از مرگ پدر بر تخت پادشاهی نشست. وی بهنگام فرمانروایی دیوان و پریان و تمامی موجودات و انسانها را فرمانبر خویش ساخت و در عین حال مقام موبدی و رهبری معنوی را نیز بر عهده داشت. به مدد فره کیانی، در پنجاه سال نخست فرمانروایی وی، رزم افزار آهنین ساخته شد، در پنجاه سال دوم از خز و ابریشم و کتان جامه بافت و رشتن و تافتن را به انسانها آموخت. طبقات اجتماعی چهارگانی کاتوزیان، نیساریان، بسودیان و اهنو خوستی که به ترتیب آتش‌بانان، جنگجویان، کشتکاران و صنعتگران بودن در زمان وی پدید آمد. جمشید دیوان را بر آن داشت تا آب و خاک را گل کنند و گرمابه و ایوان و کاخ بسازند. جواهراتی چون یاقوت و سیم و زر از سنگ خارا استخراج نمود و طبابت در زمان وی رونق گرفت (ر.ک فردوسی، ۴۱ - ۴۴). در روزگار جمشید جهان آرام بود فارغ از درد و رنج و بیماری بود (ر.ک یارشاطر، ۱۳۵۳: ص ۱۷). «نخستین بار که مردم تخت او را در آسمان دیدند که چون خورشید میدرخشید آن روز را که هرمزد روز = نخستین روز هر ماه در گاهشماری زرتشتی] از فروردین ماه بود جشن گرفتند و نوروز خواندند. مردم در پادشاهی او سیصد سال انوشه [= بی مرگ] و فارغ از رنج و الم زندگی کردند تا اینکه غرور و تکبر او را فراگرفت و ناسپاسی آغاز کرد و در نتیجه

فرّه از او بگسست و شکستگی اسطوره جمشید اتفاق افتاد» (مالمیر، ۱۳۸۷: ص ۲۸۷). پس از آنکه فرّه از جمشید گریخت ضحاک تازی به پادشاهی ایران رسید و جمشید متواری شد تا آنکه بنا بر گزارش فردوسی ضحاک او را در دریای چین یافت و با آره دو نیم کرد و کشت (فردوسی: ۵۲). بهار در خصوص او میگوید «جمشید در شکل اولیة‌اش ایزدی بوده است که بعدتر در ایران پس از ظهور زرتشت به مرتبه انسانی تابع اهورا مزدا تنزل مقام یافته است» (بهار، ۱۳۷۴: ص ۸۵). در وداها، جمشید ایزدی است که بصورت نامیرا آفریده شده است و پس از یک دوره حکمرانی سراسر عدل و داد از وی که بر آینه آن حاکمیت نظامی اهورایی بر ایرانشهر بود به همان عقوبتی دچار میشود که برخی از شخصیت‌های اساطیری یونان گرفتار شده‌اند. خوردن گوشت، برگشتن از دین بهی و ادعای خدایی از جمله گناہانی است که درباره جمشید و برگشتن فرّه از وی در اساطیر ذکر شده است (ر.ک کریستین سن، ۱۳۸۵: ص ۳۰۹).

داستان جمشید در شاهنامه فردوسی

پادشاهی جمشید هفتصد سال بود

چو گیتی سرآمد بران دیوبند	جهان را همه پند او سودمند
به سوگ اندرون شد دل هر کسی	نیامد بران، روزگاران بسی
گرانمایه جمشید فرزند اوی	کمر بست یک دل پر از پند اوی
برآمد بران تخت فرخ پدر	به رسم گیان بر سرش تاج زر
کمر بسته با فرّ شاهنشهی	جهان گشته سرتاسر او را رهی
زمانه برآسوده از داوری	به فرمان او دیو و مرغ و پری
جهان را فزوده بدو آبروی	فروزان شده تخت شاهی بدوی
منم گفت با فرّه ایزدی	همم شهریاری و هم موبدی
بدان را ز بد دست کوتاه کنم	روان را سوی روشنی ره کنم
نُخست آلت جنگ را دست برد	در نام جُستن به گردان سپرد
به فرّ کیی نرم کرد آهنا	چو خود و زره کرد و چون جوشنا

(شاهنامه، ۱۳۸۷: ج ۱ / ۴۱)

سطوره پرومتئوس در اساطیر کهن یونان

پرومتئوس در اساطیر یونان فرزند «ژاپت، واست که از خاندان فرشته آتش هستند و برادر وی «اتلس» از تاپانهای^۱ خلاق است که توانست غولها و موجودات اهریمنی را شکست دهد و «زئوس» خدای خدایان در هنگام آفرینش، او را برگزید تا بر انسانها فرمان براند و همه چیز را در اختیار انسان قرار دهد جز آتش؛ اما پرومتئوس بخاطر عشق و علاقه‌اش به انسانها نتوانست از فرمان زئوس اطاعت کند و بدور از چشم زئوس، آتش را به انسان هدیه داد. هنگامیکه خبر این نافرمانی پرومته به زئوس رسید، زئوس دستور داد تا بکمک چند تن از خدایان، پرومته را بر قله قاف در قفقاز برده و او را بر تخته سنگی با زنجیر ببندند تا بسزای اعمالش برسد. هر صبح عقابی تیز چنگال و

^۱ تاپانها خدایانی بودند که بر انسانها فرمانروایی میکردند و قصد داشتند خودشان قدرت را بدست بگیرند. آنها سه فرزند به نامهای زئوس، هوس و پوزیدون داشتند. زئوس فرمانروای آسمانها و پوزیدون فرمانروای دریاها بود؛ اما زئوس، هادس را فریب میدهد و او را بدنیای مردگان میفرستد تا در آنجا عذاب بکشد (ر.ک گریمال، ۱۳۷۸: ص ۹۱).

غول پیکر بر سروی فرود می‌آید و پهلوی او را میدرید و جگرش را میخورد و چون شب هنگام فرا میرسد، جگرش از نو میروید (ر.ک گریمال، ۱۳۷۸: صص ۷۷۹ - ۷۸۲). پرومتهوس سی سال را با این شرایط گذراند تا آنکه «مرکور»^۱ خدای سود و پیام‌آور خدایان، فرمان عفو پرومته را از زئوس گرفت. «درباره پرومته چهار افسانه وجود دارد؛ آنکه او راز خدایان را به نفع بشر آشکار کرد، خدایان بر کوه قفقازش آهنکوب کردند و عقابهایی بجانبش گسیل داشتند تا جگرش را که هر دم از نو رشد میکرد بدرند و بخورند. بنابر افسانه روم، پرومته از درد منقارهای جگر خراش آنقدر خود را بر سنگها فشرد که سرانجام با سنگ یکی شد. بنا بر افسانه سوم، پس از گذشت هزاران سال، خیانت پرومته کم کم از یادها رفت و خدایان آن را فراموش کردند و بنابر افسانه چهارم، آدمی از آنچه سبب و بنیاد خود را از دست داده بود، ملول گشت، خدایان ملول گشتند عقابان نیزه و آنچه به جا ماند کوه بود» (کات، ۱۳۸۸: صص ۵۳ - ۵۴؛ گرین، ۱۳۹۷: ص ۴۵).

منظومه تنوگونی هسیودوس

منظومه تنوگونی (پیدایش خدایان) یکی از آثار بر جای مانده از هسیودوس است که شاید بتوان آن را نخستین و بهترین سندی دانست که در خصوص آغاز و پیدایش عالم در میان یونانیان باستان و بلحاظ اسطوره‌شناسی کهن در میان این قوم وجود داشته است. اطلاعات اندک درباره زندگی هسیودوس، بیشتر متکی بر مطالبی است که در اشعارش از زندگی خود ارائه میکند و همین در حکم سندی است بر صحت انتساب آثارش به او. [هسیودوس] شاعری است که اصل و نسبی بُتیبایی دارد و نژاد او به سواحل شرقی دریای اژه میرسد. هسیودوس نقل میکند که در ایام و زمانی که بر فراز کوه هیلکن مشغول شبانی بوده است، بمقام شاعری میرسد و پس از مرگ پدر، بر روی زمین سهم الارث خود کشاورزی میکند و همین امور سبب فراهم شدن بخش دوم از کتاب تنوگونی با نام «کارها و روزها» میشود. منظومه تنوگونی حاصل تجارب شخصی هسیودوس در قالب حکایاتی آمیخته به تمثیل با زبانی آهنگین و مسجع است که شامل پند و اندرزهایی در خصوص اخلاق زیستن، اصول و نشانه‌های کار و طرح یک تقویم مذهبی با مشخص ساختن روزهای مساعد و طالع سعد و نحس برای کارهای کشاورزی است. این منظومه تاریخ جهان را به پنج دوره از عصر طلایی تا زمان آهن تقسیم میکند. بلحاظ زمانی اشعار هسیودوس را میتوان نزدیک به زمان هومرس یعنی سه دهه آخر سده هشتم پیش از میلاد بحساب آورد. از ویژگیهای اصلی اشعار هسیودوس تعلیمی بودن آن است و تبدیل شعر حماسی - قهرمانی، به شعر حماسی - تعلیمی. اصطلاح تنوگونی نخستین بار توسط افلاطون مطرح میشود. تنوگونی سلسله‌ای از خدایان است که بگونه‌ای تبارشناسانه در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. نیز به دسته‌ای از آثار مکتوب اطلاق میشود که اغلب در ارتباط با تبارشناسی خدایان و پیدایش عالم است. در میان تنوگونیهای منظوم و منثور یونان باستان، تنها تنوگونی که نسبتاً بطور کامل بر جای مانده است منظومه تنوگونی هسیودوس است که بعنوان مرجعی برای استدلالهای کیهان‌شناسانه و اسطوره‌ای پیش سقراطی مورد توجه قرار میگیرد. از ویژگیهای سبک فکری تنوگونی هسیودوس این است که در سه حیطه فکری پیدایش کیهانی، کیهان‌شناسی و یزدان‌شناسی به بحث و بررسی پرداخته است. تنوگونی هسیودوس شرحی از منشأ پیدایش و تکامل عالم، زئوس، هیرا، آپولون و دیگر خدایان است (ر.ک همان: صص ۶ - ۱۰).

منظومه تنوگونی هسیودوس ۱۰۲۲ بیت است که دو بخش را شامل میشود مقدمه (ابیات ۱۱۵ - ۱) و داستان اصلی (۱۰۲۲ - ۱۱۶). که با ذکر نام موساها - دختران نه‌گانه زئوس - آغاز شده است و پس از آن سلسله مراتب

^۱. markor

خدایان المپوس بتصویر کشیده میشود و به بیان موضوعات اصلی تبارشناسی خدایان میپردازد و هسیودس پس از آن به مهمترین نقطه آغاز برای خلقت زئوس یعنی گایا (زمین) میرسد. گایا، نخست اوانوس (آسمان) را به دنیا می‌آورد و پس از آن کوه‌ها و دریاها؛ پس گایا با اورانوس همبستر میشود و از این پیوند تیتانها (شش مرد و شش زن) دنیا می‌آیند؛ در این میان پسران یاپتس بویژه اطلس و پرمئتوس بدلیل خطاهایی که مرتکب میشوند بفرمان زئوس بعداب سختی گرفتار می‌آیند.

متن منظوم داستان پرمئتوس از هسیودوس (هزیود)

آسمان بیکران را با سر و دستهای پرتوانش نگاه میدارد/ زئوس چاره‌اندیش، سرنوشت او را چنین رقم زده بود/ او پرمئتوس مکار را با زنجیری سنگین و سخت و دردآور/ به بند آورد و زنجیر را هم بر ستونی بست/ و عقاب بزرگبالی نیز بر او گماشت/ این عقاب هر روز از جگر پرمئتوس میخورد/ جگر نامیرا بود و هر قدر از آن میخورد، شباهنگام باز بر جای میروید/ لیک هراکلس، پور پُر زور آکمنه سیمین ساق/ جگرخوار پرنده را بکشت/ و پسر یاپتس را از عذاب و شکنجه نجات داد/ اینهمه به اراده زئوس الومپی بود، فرمانروای عالم بالا/ او میخواست آوازه نام هراکلس - زاده تب/ بر بسیط خاکِ روزی‌گاهِ انسان بیش از پیش پیچد/ با همین اندیشه بود که فرزند بلندمرتبه خود را اعزاز و اکرام کرد و/ با اینکه خشمگین بود، خشم پیشین خود را فرو خورد/ چراکه آن تیتانی، زکاوت خود را در رقابت با فرزند پُر شوکت کُرنس به کار بسته بود (هزیود، ۱۳۹۹: صص ۹۰ - ۹۲).

تحلیل گفتمان انتقادی داستانها در سطح توصیف

عوامل انسجام واژگانی (تکرار) در داستان جمشید: واژگان کوچکترین واحد معنادار زبان هستند که بکمک آن میتوان به تبیین سبکی پرداخت. کاربرد واژگان میتواند دایره فکری شاعر یا نویسنده را مشخص سازد. «انسجام به مناسبات معنایی میان متنی اشار دارد که بواسطه عمل آن فهم و تعبیر برخی عناصر متن امکانپذیر میشود» (فروزنده و طالبی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۵). در مقوله تکرار بعضی از واژگانی که با معنایی قابل ملاحظه و مهمی دارند و بظاهر یکی هستند، تکرار میشوند این مساله کلید اصلی درک ایدئولوژیک متن است. در داستان جمشید واژه دیو و شاه و تخت تکرار شده است:

تکرار دیو در مصرع ۱ و ۱۲/ تکرار شاهنشهی و شاهی در مصرع ۹ و ۱۴/ تکرار تخت در مصرع ۷ و ۱۴ / کیان و کیی در مصرع ۸ و ۲۱.

از داستان جمشید به بعد، کمتر به واژه «دیو» برمخوریم و بتدریج محتوای قصص اساطیری به بطن جامعه و آدمیان کشیده میشوند. اسامی حیوانات، آلات جنگ، انواع پارچه و سازهای موسیقی مطرح میشوند. گیتی و جهان در بیت ۱/ شاهنشهی، شهریاری و ایزدی در مصرع ۹، ۱۵ و ۱۶/ فرّ و فره در مصرع ۹ و ۱۵.

عوامل انسجام واژگانی (تکرار) در داستان پرمئتوس

تکرار زنجیر در سطر ۳ و ۴/ تکرار پرمئتوس در سطر ۳ و ۶/ تکرار زئوس در سطر ۲ و ۱۱/ تکرار عقاب در سطر ۵ و ۶

تکرار جگر در سطر ۶، ۷ و ۹/ تکرار فرزند در سطر ۱۴ و ۱۶.

در هر دو داستان واژگان پرتکرار در حیطه شاهی، خدایان و ایزدان است.

تضاد معنایی در داستان جمشید: تضاد معنایی یعنی «ناسازگاری معنایی، معنای یک کلمه با معنای کلمه دیگر ناسازگار است» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص ۱۷۸). تضاد معنایی در حقیقت ناسازی معنایی یک کلمه با کلمه دیگر است. مصادیق شامل: شاهنشاهی و رهی در بیت ۵ / دیوبند و دیو در مصرع ۱ و ۱۲ / دیو و پری در مصرع ۱۲ / بد و روشنی در بیت ۹.

تضاد معنایی در داستان پرومته: چاره‌اندیش و مکار در سطر ۲ و ۳ / روز و شباهنگام در سطر ۶ و ۷ / به بند آورد و نجات داد در سطر ۴ و ۱۰ / آسمان و خاک در سطر ۱ و ۱۳.

تضاد معنایی در هر دو داستان بیشتر تقابل خیر و شر، دیو و خدا و اهریمن - پلییدی و پاکی - خوبی را شامل میشود.

هم‌معنایی در داستان پرومته: «برخی از اندیشمندان متقدم اسلامی سده‌های سوم و چهارم هجری وجود ترادف را منکر بوده‌اند اما فرکلاف معتقد بود که در تحلیل گفتمان باید بدنبال هم معنایی تقریبی بین واژه‌ها بود» (خانی علی‌اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۹۴). پور و پسر در سطر ۸ و ۱۰ / سنگین و سخت و دردآور در سطر ۳ / به بند آورد و بستن در سطر ۴ / پرتوان و پر زور در سطر ۱ و ۸ / بلندمرتبه و پر شوکت در سطر ۱۴ و ۱۶ . در داستان پرومته، هم‌معنایی بیشتر در حیطه واژگان مربوط به اسارت پرومتهوس و خشم زئوس بر او بکار رفته است. **شمول معنایی در داستان جمشید:** «شمول معنایی یعنی اینکه یک واژه بتواند چند مفهوم دیگر را نشان دهد» (فروزنده و طالبی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). در حقیقت شمول معنایی آن است که واژه‌ای در دل یک واژه دیگر قرار گیرد:

فرزند و پدر در مصرع ۵ و ۷ / تخت، تاج و شاهنشاهی در مصرع ۷، ۸ و ۹ / آلت جنگ، جوشن، زره و خود در مصرع ۱۹ و ۲۲. شمول معنایی در داستان جمشید در حیطه اصلاحات مربوط به تاج و تخت و رزم و جنگ است.

شمول معنایی در داستان پرومته: عقاب و پرنده در سطر ۵ و ۹ / پسر و فرزند در سطر ۱۰ و ۱۴.

در داستان پرومته شمول معنایی بیشتر در حیطه پرنده‌گان و روابط خانوادگی بکار رفته است.

باهم‌آیی و تناسب در جمشید: « باهم آیی، وقوع واژگانی است با ویژگیهای بنیادین مشترک بر روی محور هم‌نشینی زبان» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۱۷۴). دل، سر و کمر در مصرع ۳، ۶ و ۸ / مرغ و پری در مصرع ۱۲ / آلت جنگ، گردان، آهن، خود، زره و جوشن در ابیات ۱۰ و ۱۱. در داستان جمشید باهم آیی کلمات بیشتر گزاره‌ها و مولفه‌های مرتبط با جنگاوری را در برگرفته است.

با هم آیی و تناسب در داستان پرومته: سر، دست، جگر و ساق در سطر ۱، ۶ و ۸ / واژگان پرومتهوس، زئوس، هراکلس، یاپتس، کروئوس و المپ همگی اشاره به نام خدایان باستانی یونان دارند نیز آسمان، عالم بالا و خاک در سطر ۱، ۱۱ و ۱۳. در داستان اساطیری پروتئوس باهم آیی و تناسب بیشتر شامل نام واژه‌های خدایان اساطیری و افلاک و آسمان و زمین است.

عوامل انسجام دستوری (ارجاع): «ارجاع عبارت است از بازگشت تعبیری و تفسیری یک ضمیر به واژه‌ای از واژه‌ای قبل یا بعد از خود در درون متن که خوانند را در فهم و تشخیص آن واژ کمک میکند» (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ص ۶۴). بعنوان مثال اهمیت استفاده از ضمیر شخصی «من» نشان از تاکید و توجه به فردیت قهرمان در داستان است. ضمیر او کاربردی مودبانه و ایجاد فضایی برای القای صمیمیت میان خواننده و گوینده را نشان میدهد. در دو داستان مورد بررسی هم از ضمیر شخصی «من» استفاده شده است و هم از ضمیر سوم

شخص. شاخصهای شخصی که در داستان جمشید بکار رفته است از جمله ضمائر متصل و منفصل، بیانگر بزرگداشت میباشند به عنوان نمونه «م» در منم، بیان تفاخر و بزرگی است.

جمشید شاهنامه

آن و او در بیت ۱ و او در بیت ۳ ارجاع به تهمورث، پدر جمشید در ابیات پیشین دارد. ش (سرش) در مصراع ۸ و او در مصراع ۱۰ اشاره به جمشید در بیت ۳ دارد. م (منم) و (همم) در بیت ۸ نیز به جمشید در ابیات آغازین بازمیگردند.

پرومته

واج «ش» در «پر توانش» و او در سطور ۲ و ۳ اشاره به اطلس، پدر کالپسو دارد. «او» در سطر ۵ اشاره به پرومتهوس در سطر ۳ دارد. «آن» در سطر ۷ ارجاع به جگر در همان سطر است. «او» در سطر ۱۲ به زئوس در سطر قبلی اشاره می‌کند. در داستان پرومته، ضمائر منفصل او و آن بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. گرچه در بسیاری از موارد این ضمائر ناشناس زمانی استفاده میشوند که موضوع از اهمیت خاصی برخوردار نیست، اما در اینجا نشان از اهمیت و توجه به پرومتهوس دارد.

حذف و جانشینی: «حذف عبارت است از کم کردن یک یا چند کلمه یا عنصر در جمله در قیاس با عناصر و کلمات قبلی ک در قالب فعل یا بند اتفاق می‌افتد» (فروزند و بنی طالبی، ۱۳۹۳: ص ۱۱۳).

جمشید شاهنامه

جهان در مصراع ۲ مجاز از مردم جهان است و در محور جانشینی قابل بررسی است. حذف فعل [بودند] در مصراع ۱۲. حذف فعل [است] در هر دو جمله مصراع ۱۶: همم شهریاری [است] و هم موبدی [است].

پرومته

فاعل در جمله دوم سطر ۴ «و زنجیر را هم بر ستونی بست» به قرینه جملات پیشین حذف شده است که همان «اطلس» است.

فاعل در جمله دوم سطر ۷ «هرقدر از آن میخورد» عقاب در سطر قبل است.

فاعل جمله سوم سطر ۷ «باز بر جای میروید» جگر در همان سطر است.

ادات ربط: «ادات ربط از جمله ارزشهای پیوند دهنده متن است که منسجم کننده جملات است و در سطح واژگان و جملات اتفاق می‌افتد» (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ص ۸۹). در تحلیل گفتمان انواع ادات ربط زمانی و مکانی و .. که ربط دهنده منطقی کلمات هستند حائز اهمیت است چرا که کاربرد و تاکید بیشتر بر برخی ادات ربط نشان دهنده ایدئولوژی حاکم بر متن است (رک خانی علی اکبری و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۰۱).

جمشید شاهنامه

چو در مصراع ۱ و ۲۲ (بمعنی وقتیکه).

واو در مصراع ۱۲ بین دیو و مرغ و پری و در مصراع ۱۶ و ۲۲.

پرومته

تکرار واو عطف در سطر ۱، ۳، ۴ و دیگر سطور متن/ لیک در سطر ۷ حرف ربط استدراک و بازیافت/ که ارتباط و استمرار در سطر ۱۴. در هر دو داستان مورد بررسی «واو» عطف بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. **نظام آوایی:** در تحلیل گفتمان ساخت‌های آوایی در گروه ساخت‌های زبانی قرار میگیرد. «منظور از ساخت، ساخت‌های زبانی در نظام‌های مختلف زبانشناختی است. یعنی ساخت‌های آوایی و واجی در نظام آوایی و واجی، ساختواژه و واژگان در نظام صرفی، ساخت‌های نحوی و مفاهیم و راهبردهای معناشناختی و کاربردشناختی و ساختارهای گفتمانی با همه ابعادشان حتی نظام خط و نگارش (آیین نگارش) و نوع گرافیک» (آقا گل زاده، ۱۳۹۰: صص ۵ - ۶).

جمشید شاهنامه

دیوبند و سودمند در بیت ۱ (سجع متوازی).
دیوبند، سودمند و پند در بیت ۱ (سجع مطرف).
کسی و بسی در بیت ۲ (سجع متوازی و جناس ناقص).
سر و زر در مصراع ۸ (جناس ناقص) / رهی و داوری در مصراع ۱۰ و ۱۱ (سجع مطرف).
بدو و بدوی در بیت ۷ (جناس مذیل) / فر و فره در مصراع ۹ و ۱۵ (جناس مذیل).
چو و چون در مصراع ۲۲ (جناس مذیل).

پرومته

زنجیری و زنجیر در سطور ۳ و ۴ (جناس مذیل)
خشم و خشمگین در سطر ۱۵ (جناس مذیل)
بیش و پیش در سطر ۱۳ (جناس ناقص)
پیش و پیشین در سطر ۱۳ و ۱۵ (جناس مذیل)

هماهنگی انسجامی (زنجیره‌ها):

زنجیره هم‌مرجع در داستان جمشید: ارجاع ضمیر در داستان جمشید بیشتر معطوف به شخصیت وی میباشد: ش در مصراع ۸ به جمشید در مصراع ۵ باز می‌گردد. در ابتدای داستان نام جمشید ذکر شده و در دیگر ابیات با ضمائر متصل و منفصل به آن اشاره شده است. او (مصراع ۱۰)، او (مصراع ۱۲)، او در بدو (مصراع ۱۳)، او در بدوی (مصراع ۱۴) و م در هم (مصراع ۱۶) همگی به جمشید در ابیات آغازین اشاره دارند.

زنجیره هم‌مرجع در داستان پرومته

در این متن، پرومتئوس در سطور ۳ و ۶ ذکر شده و در دیگر سطور با عناوین مختلف به او اشاره شده است. در سطر ۱۰ «پسر یاپتس» و «آن تیتانی» در سطر ۱۶ پرومتئوس را برای خواننده بیشتر معرفی میکنند. ضمیر «او» نیز در سطر ۵ به پرومتئوس اشاره دارد. «فرزند پر شوکت کرونوس» در سطر ۱۶ به زئوس در سطر ۲ برمی‌گردد. آن در جمله دوم سطر ۷ اشاره به جگر در جمله اول همان سطر دارد. در داستان پرومتئوس، زنجیره هم‌مرجع بیشتر به خدایان، فرزندان آنها، پرومته و مجازات‌های تعیین شده برای او از سمت زئوس اشاره دارد.

زنجیره هم‌مطبقه در داستان جمشید:

جهان در مصراع ۲ مجاز از مردم جهان که از مقوله جایگزینی است.
حذف فعل [بود] در مصراع ۲ و حذف [بودند] در مصراع ۱۲.

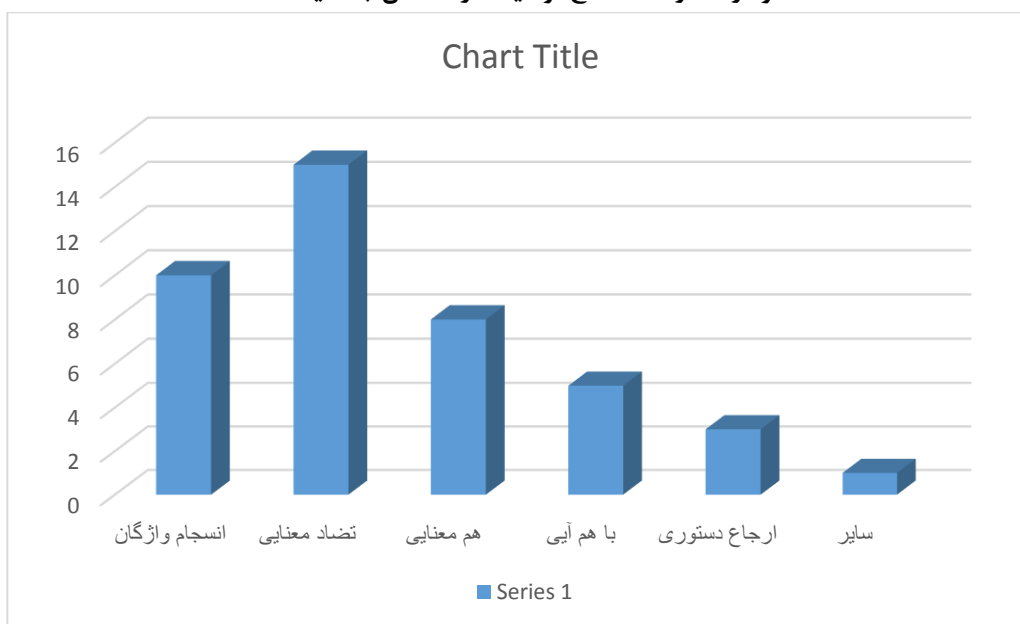
زنجیره همگستر در داستان جمشید

دیو در مصرع ۱ و ۱۲ تکرار شده است که بیانگر مبارزه جمشید با دیوان و نیروهای اهریمنی در طی داستان است. تکرار کیان و کیی در مصرع ۸ و ۲۱ اشاره به نسب والای جمشید دارد که از تبار کیانیان و شاهان اساطیری شاهنامه است. همچنین تکرار فر و فره در مصرع ۹ و ۱۵ بر الهی بودن پادشاهی جمشید و اعمال او تأکید میکند. در این داستان، کلمات متضاد دیو و پری، بد و روشنی، بیانگر یاری جمشید توسط نیروهای ماوراء است. دیوبند و سودمند در بیت ۱ و رهی و داوری در مصرع ۱۰ و ۱۱ با هم ترکیب آوایی را شکل داده‌اند.

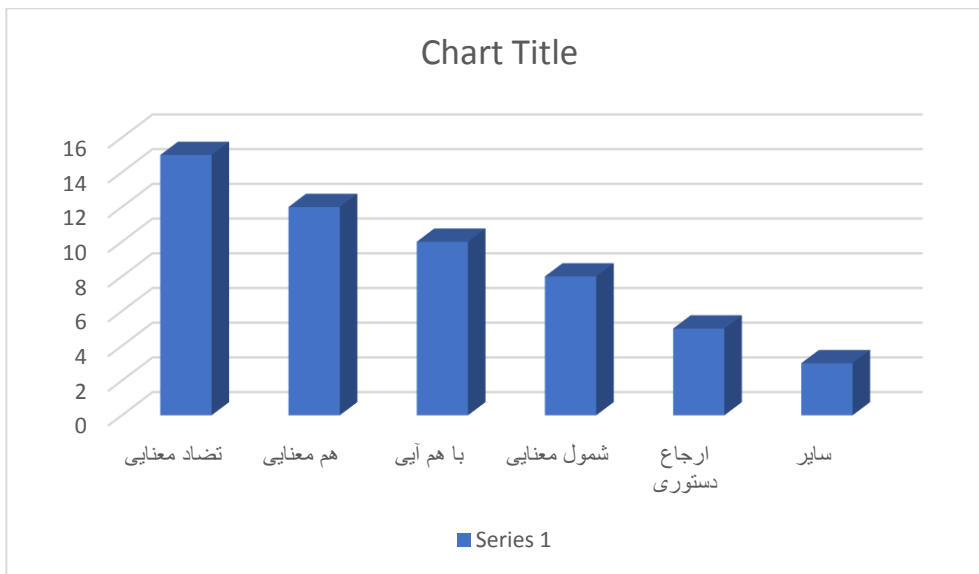
زنجیره هم‌طبقه و هم‌گستر در داستان پرومته

این متن داستان سرپیچی پرومته از زئوس را بازگو میکند و اینکه پرومته آتش را از خدایان دزدید و به انسانها بخشید تا جایگاه خود را بهتر بشناسند و در برابر زور و ستم ایستادگی کنند. از طرفی زئوس که به خشم آمده بود، مجازات ابدی و سنگینی برای پرومته در نظر می‌گیرد؛ اما پرومته از جاودانان است و جگر او هر روز باز می‌روئید تا اینکه زئوس هراکلس را به نجات پرومته فرستاد و او عقاب جگرخوار را کشت. در متن فوق، با واژگانی همچون «زنجیر»، «به بند کشیدن»، «بستن»، «عذاب و شکنجه» و «مجازات» به این مضمون اشاره شده است. همچنین تضاد واژگانی «روز و شباهنگام» و «به بند آوردن و نجات دادن» نیز بیانگر مقابله و مبارزه پرومته با خدایان هستند و سرمشقی برای بشریت است.

نمودار شماره (۱) سطح توصیف در داستان جمشید



نمودار شماره (۲) سطح توصیف در داستان پرومته



تحلیل گفتمان انتقادی در سطح تفسیر

بینامتنیت: «بینامتنیت مجموعه‌ای از متون است که در آن هر متنی، عناصری را از متن یا متنهای دیگر در خود می‌گنجاند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۹۶: ص ۱۲۹). بینامتنیت در حقیقت نشان دهنده آن است که هیچ متنی را نمیتوان بدون اتکا بر متون دیگر درک و دریافت نمود و از این رو همه رویدادهای ارتباطی به نوعی با رویدادهای پیشین در ارتباط هستند. پرومتهوس از بسیاری جهات با جمشید پادشاه پیشدادی و اساطیری ایران قابل تطبیق و مقایسه است. پرومته بمانند جمشید اولین فردی است که رسوم زندگی، آداب سخن گفتن و نوشتن را به مردم آموزش داد. طرز پختن غذا، ذوب نمودن فلزات و آهن، آهخته کردن آهن و شمشیر ساختن در اساطیر یونان به پرومتهوس نسبت داده شده است تا جایکه میتوان گفت وی خلاصه بسیاری از حرفه‌ها و فنون را به صنعتگران و کارگران آموزش داده است. هنگامیکه زئوس آگاه شد که پرومتهوس آتش را به مردمان هدیه نموده است، دستور داد تا او را در کوهی به بند بکشند و هر روز عقابی او را شکنجه میکرد و جگر او را از پیکرش بیرون میکشید و باز هم جگر او ساخته میشد و شکنجه او به این ترتیب ادامه دار بود. سرنوشت پرومته و شکنجه‌هایی که زئوس برای او تعیین کرد یادآور شکنجه‌های جمشید و مرگ او بدست ضحاک است (رک گرین، ۱۳۹۷: ص ۵۵). جمشید و پرومتهوس هر دو شخصیهایی هستند که با دانش و هنر خود سعی در بهبود شرایط زندگی انسانها داشتند. جمشید با ترویج کشاورزی، صنایع و علوم به مردم خود کمک کرد و پرومتهوس با اهدای آتش به انسانها، آنها را از تاریکی و جهل نجات داد. با این حال، تفاوت‌های عمده‌ای نیز میان این دو داستان وجود دارد. جمشید به دلیل غرور و ادعای خداوندی، حمایت ایزدان را از دست داد و بدست ضحاک شکست خورد، در حالیکه پرومتهوس بخاطر کمک به انسانها توسط زئوس مجازات شد. جمشید نمادی از پادشاهی است که با دانش خود به مردم خدمت میکرد، اما بدلیل غرور فره از او گریخت. در مقابل، پرومتهوس نمادی از فداکاری و مقاومت در برابر ظلم و بیعدالتی است.

تحلیل گفتمان انتقادی در سطح تبیین

هدف از گفتمان تبیین آن است که یک متن بخشی از فرآیند اجتماعی در یک جامعه است. «تبیین، گفتمان را بعنوان کنش اجتماعی توصیف میکند و نشان میدهد که چگونه ساختارهای اجتماعی گفتمان را تعیین میکنند. همچنین تبیین نشان میدهد که گفتمانها چه تاثیرات بازتولیدی عمیقی میتوانند بر جای بگذارند و چگونه منجر به تغییر یا حفظ یک ساختار میشوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ص ۲۱۴). از نگرشهای برخاسته از دو داستان میتوان چنین نتیجه گرفت که فرهنگدوی و شکوه و جلال جمشید در ابتدای دوران فرمانروایی او همراستا با دوران اوج ایران زمین است اما در دوره دوم پادشاهی خود، دچار کبر و غرور میشود که موجب نارضایتی و رویگردانی بزرگان از او میگردد و همچنین زمینه حمله ضحاک ددمنش را فراهم می‌آورد. از این دوره، هزاره دوم شاهنامه و «نبرد خیر با شر» آغاز میشود. پرومتهوس نیز به فرمان زئوس، انسان را از خاک رس سرخ رنگی می‌آفریند اما تصمیم میگیرد که مقام و شأن وی را به درجه بسیار متعالی برساند که بصورت موجودی منفعل در تسخیر قدرت خدایان و اهریمنان نباشد. «پرومتهوس مهربان تیتان شریف، همه فنون، صناعاتها و فوت و فن کارها را به انسانها آموخت. پادشاهان داد چگونه خانه بسازند، ابزارها را از سنگ و چوب بتراشند و از آنها استفاده کنند. چگونه زمین را شخم بزنند، غله [و دانه] بکارند، محصول را درو کنند، بکوبند و دانه‌ها را از پوست جدا سازند و بین سنگهای تراشیده آسیاب کنند. نشان داد چطور بعضی حیوانات را بگیرند و رام خویش کنند. سگ را برای نگهبانی خانه‌هایشان و برای شکار، اسب را برای کشیدن ارباب‌هایشان، گاو نر را برای شخم زدن، گوسفند را برای استفاده از پشمش و بز را برای شیرش. معروف است که قدرت تکلم را هم پرومتهوس به بشر داد. ادغام همه اشیاء و حتی طرز نوشتن و خواندن آنها را نیز به آدمیان آموخت» (گرین، ۱۳۹۷: ص ۴۵). بلحاظ خویشکاری، پرومتهوس و جمشید در اساطیر ایرانی شباهت بسیار زیادی بهم دارند. پرومتهوس شخصیتی است که قصد دارد اقتدار زئوس را به نفع انسانها در هم بشکند و از این رو پرومته از آنچه که هویت و ماهیت شکل دهنده اوست، فراتر رفته و آتش منع شده زئوس را برای آدمیان به زمین می‌آورد. در روایتها آمده است که خدایان و انسانها در عهد کهن، بخوردن برخی حیوانات ممنوعه روی آورده بودند اما پس از جدایی انسان از خدایان، پرومتهوس گاو نر عظیم‌الجثه‌ای را ذبح نمود و قسمتی از آن را به زئوس پیشکش کرد و بخشی را برای انسانها باقی گذاشت. پرومته سهم زئوس از گوشت گاو را در معده گاو پیچید و زئوس را فریفت تا آن سهم را که آمیخته با چربی و استخوان بود، انتخاب نماید. زئوس پس از آنکه درمی‌یابد توسط پرومته فریب خورده است، بسیار خشمگین میشود، انسانها پس از این عمل پرومته یاد میگیرند که در پیشگاه خدایان چربی و استخوان را بسوزانند و خود از گوشت قربانی بهره گیرند. زئوس پس از این فریب بدست پرومته به جبران و تنبیه آدمیان، آنان را از آتش محروم ساخته و بار دیگر پرومته در مقام ناجی و قهرمان انسانها با دزدیدن آتش، آن را به زمین می‌آورد و در اختیار انسانها قرار میدهد (ر.ک پینسنت، ۱۳۷۹: ص ۶۳). اقدام پرومتهوس علیه زئوس و نافرمانی مقابل وی که با جرأت و جسارت توأمان بود، نوعی طغیان و سرکشی بحساب می‌آید و سبب میشود که پرومته هنجارها را بشکند و بشخصیتی طغیانگر علیه قدرت زئوس تبدیل شود.

نتیجه‌گیری و پایان بحث

تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف رویکردی میان‌رشته‌ای در حیطه تحلیل و بررسی زبان و گفتمان قدرت و ایدئولوژی در جامعه است؛ یکمک این رهیافت میتوان سطوح سه‌گانه توصیف، تفسیر و تبیین را در اساطیر ایران و جهان از جمله اسطوره جمشید در شاهنامه و اسطوره پرومتهوس (پرومته) در اساطیر یونان مورد تحلیل و

واکاوی قرار داد. در داستان جمشید در شاهنامه و پرومته در سطح توصیف تکرار واژگانی، مرجع ضمیرها، شمول معنایی، تضادمعنایی، باهم آبی و تناسب همگی در خدمت القای ایدئولوژی قدرت از جمله تأکید بر دو شخصیت اساطیری یاد شده، ادوات جنگی، رزم و نبرد خیر و نیکی قرار گرفته است. جمشید و پرومته هر دو شخصیتی هستند که در ابتدا تلاش دارند امکانات و شرایط بهتری را برای نوع بشر فراهم آورند اما در انتها هر یک بدلایلی گرفتار عذاب و خشم نیروی برتر میشوند و این مسأله در حیطه واژگانی و از دست دادن قدرت شاهنشاهی و اسارت و شکنجه آنان نمایان شده است. در سطح تفسیر و بینامتنیت میتوان گفت که این دو اسطوره اشتراکات معنایی بسیار زیادی دارند. هر دو تلاش نمودند تا زندگی اجتماعی انسانها را بکمک دسترسی به امکانات و شرایط گوناگون بهبود بخشند اما سرپیچی از فرمان خداوند و زئوس، جمشید را گرفتار خشم و عقوبت توسط ضحاک ساخت و پرومته نیز به خشم زئوس در کوهی به بند کشیده شد. فردوسی و هسیودوس در این دو داستان از عصر طلایی که جمشید و پرومته برای آدمیان به ارمغان آورده‌اند و شرایط اجتماعی که برآیند قدرت این دو تن در جامعه انسانی بود سخن گفته‌اند و به تبیین هژمونی و قدرت و سرانجام فروپاشی آن پرداخته‌اند که بخوبی با لایه تبیین در الگوی فرکلاف مطابق است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشگاه خوارزمی استخراج شده است. جناب آقای دکتر حسین بیات راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. جناب آقای دکتر ناصرقلی سارلی راهنمای دوم و دانشجو خانم شکیبا ملکشاهی پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه خوارزمی و مسئولین و اساتید فرهیخته نشریه وزین سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب) اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Aghagolzadeh. Ferdows (2011). Description and explanation of ideological linguistic constructions in critical discourse analysis. *Comparative Language and Literature Research Quarterly*. Number 2 (10 in a row). pp. 1-19.

- (2013). Descriptive culture of discourse analysis and pragmatics. Tehran: Scientific, p. 18.
- Alipur. Narges (2014). Narrative discourse analysis; Criticism on the narrative poem of Shamlu's journey. The 8th National Conference on Persian Language and Literature Research. due to the efforts of Zahra Khait. Research Institute of Humanities and Cultural Studies, p. 97.
- Azdanlu. Hamid (2011). Discourse and society. Tehran: Ney Publishing, p. 76.
- Bahar. Mehrdad (1995). Some research in Iranian culture. Third edition. Tehran: Fekr Rooz, p. 85.
- Bahrampour, ShabanAli (2000). An introduction to discourse analysis: a collection of essays on discourse and discourse analysis. To the attention of Mohammad Reza Tajik. Tehran: Farhang Gadman, p. 24.
- Christian Sen. Arthur (2006). The first man and the first prince. Translation: Ahmad Tafzali. Jaleh Amouzgar. Tehran: Cheshme Publishing House, p. 309.
- Cut. Yan (2009). Commentary on the tragedies of ancient Greece - eating of the gods. Translation: Dawood Daneshvar and Mansour Ebrahimi. Fourth edition. Tehran: Samit, pp. 53-54.
- Fairclough. Norman (1379). Critical discourse analysis. Translation: Fatemeh Shaistapiran and colleagues. Tehran: Media Studies and Research Center, pp. 12-19-97-98-167-170-171-174-178-214-244-245.
- Ferdowsi. Hakim Abulqasem (2008). Shahnameh Correction: Absolute Creator's glory. Tehran: Large Islamic Encyclopedia Center.
- Foroozandeh. Massoud and Banitalebi. Amin (2000). "Tools that create textual coherence and rhetorical continuity in Weiss and Ramin". Research poetry (Bostan Adab). Journal of Shiraz University. Year 6. Number 2. Series 20, pp. 107-134.
- Ghahremani. Maryam (2013). "Collection of Articles on Translation and Critical Discourse Analysis: A Semiotic Approach". Tehran: Alam, p. 21.
- Green. Roger Lencelin (2017). Greek Mythology: From the Beginning of Creation to the Ascension of Heracles. Translation: Abbas Aghajani. Eighth edition. Tehran: Soroush. pp. 45-55.
- Grimal. Pierre (1999). The culture of Iranian and Roman mythology. Translation: Ahmad Bahmanesh. Fourth edition. Tehran: Amirkabir, pp. 782-779-91.
- Hesiod (2014). Hesiod's Theogony, translated and explained by Farideh Farnodfar. Third edition. Tehran: Tehran University Press (Fidibo electronic version).

- Khani Ali Akbari. Nasrin and others (2019). Analyzing the Nadera valley based on Farklaf's discourse analysis approach. *Persian Literary Textology Quarterly*. University of Isfahan. Number three. Series 47. pp. 89-112.
- Malmir. Timur (2008). Numerical displacement of the creation myth of the first man. *Linguistic essays*. No. 160. pp. 283-294.
- McDonnell. Dayan (2001). *Discourse theories*. Translation: Hossein Ali Nozari. Tehran: Farhang Gadman, p. 22.
- Minoye Kherad (1975). Translation: Ahmad Tafazoli. Tehran: Farhang Iran Foundation, pp. 74-75.
- Mirfakhraii. Teja (2005). *Discourse analysis process*. Tehran: Media Studies and Planning Office (Media Studies and Research Center), p. 11.
- Mohajer. Mehran and Nabavi. Muhammad (1997). *Toward the Linguistics of Poetry: A Characteristic Approach*. Tehran: Center, p. 64.
- Pinsent. John (2000). *Knowledge of Greek mythology*. Translation: Bajlan Farrokhi. Tehran: Asatir Publications, p. 63.
- Soltani. Seyyed Ali Asghar (2012). "Discourse analysis as a theory and method". *Political Science Quarterly*. No. 28, pp. 153-180.
- Yar Mohammadi. Lotfullah (2004). *Popular and critical discourse*. Tehran: Hermes, p. 89.
- Yarshater. Ehsan (1974). *Selected stories of Shahnameh*. Tehran: Book Translation and Publishing Company, p. 17.
- yorgensen. Marianne and Phillips. Louise (2017). *Theory and method in discourse analysis*. Translation: Hadi Jalili. The seventh edition. Tehran: Nei, pp. 117-129.

فهرست منابع فارسی

- آقاگل‌زاده. فردوس (۱۳۹۰). توصیف و تبیین ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک در تحلیل گفتمان انتقادی. فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. شماره ۲ (پیاپی ۱۰). صص ۱-۱۹.
- _____ (۱۳۹۲). فرهنگ توصیفی تحلیل گفتمان و کاربردشناسی. تهران: علمی، صص ۱۸.
- بهار. مهرداد (۱۳۷۴). جستاری چند در فرهنگ ایران. چاپ سوم. تهران: فکر روز، صص ۸۵.
- بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹). درآمدی بر تحلیل گفتمان: مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی. به اهتمام محمدرضا تاجیک. تهران: فرهنگ گفتمان، صص ۲۴.
- پینسنت. جان (۱۳۷۹). شناخت اساطیر یونان. ترجمه: باجلان فرخی. تهران: انتشارات اساطیر، صص ۶۳.
- خانی علی‌اکبری. نسرین و دیگران (۱۳۹۹). دتخلیل دره نادره بر پایه رویکرد تحلیل گفتمانی فرکلاف. فصلنامه متنشناسی ادب فارسی. دانشگاه اصفهان. شماره سوم. پیاپی ۴۷. صص ۸۹-۱۱۲.

سلطانی. سید علی اصغر (۱۳۹۲). «تحلیل گفتمان بمثابه نظریه و روش». فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۲۸، صص ۱۵۳ - ۱۸۰.

عضدانلو. حمید (۱۳۹۰). گفتمان و جامعه. تهران: نشر نی، ص ۷۶.

علیپور. نرگس (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان روایتی؛ نقدی بر شعر روایی سفر شاملو. هشتمین همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی. به کوشش زهرا حیاتی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ص ۹۷.

فردوسی. حکیم ابوالقاسم (۱۳۸۷). شاهنامه. بتصحیح: جلال خالقی مطلق. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

فرکلاف. نورمن (۱۳۷۹). تحلیل گفتمان انتقادی. ترجمه: فاطمه شایسته‌پیران و همکاران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، صص ۱۲-۱۹-۹۷-۹۸-۱۶۷-۱۷۰-۱۷۱-۱۷۴-۱۷۸-۲۱۴-۲۴۴-۲۴۵.

فروزند. مسعود و بنی‌طالبی. امین (۱۳۹۳). «ابزارای آفریننده انسجام متنی و پیوستارای بلاغی در ویس و رامین». شعر پژوهی (بوستان ادب). مجله دانشگاه شیراز. سال ۶، شماره ۲، پیاپی ۲۰، صص ۱۰۷-۱۳۴.

قهرمانی. مریم (۱۳۹۳). «مجموعه مقالات ترجمه و تحلیل انتقادی گفتمان: رویکرد نشانه‌شناختی». تهران: علم، ص ۲۱.

کات. یان (۱۳۸۸). تفسیری بر تراژدی‌های یونان باستان - تناول خدایان. ترجمه: داوود دانشور و منصور ابراهیمی. چاپ چهارم. تهران: سمت، صص ۵۳ - ۵۴.

کریستین سن. آرتور (۱۳۸۵). نخستین انسان و نخستین شهریار. ترجمه: احمد تفضلی. ژاله آموزگار. تهران: نشر چشمه، ص ۳۰۹.

گریمال. پی یر (۱۳۷۸). فرهنگ اساطیر ایران و روم. ترجمه: احمد بهمنش. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر، صص ۹۱ - ۷۷۹ - ۷۸۲.

گرین. راجر لنسلی (۱۳۹۷). اساطیر یونان: از آغاز آفرینش تا عروج هراکلس. ترجمه: عباس آقاجانی. چاپ هشتم. تهران: سروش. صص ۴۵-۵۵.

مالمیر. تیمور (۱۳۸۷). جایجایی عددی اسطوره آفرینش نمونه نخستین انسان. جستارهای زبانی. شماره ۱۶۰، صص ۲۸۳ - ۲۹۴.

مک دانل. دایان (۱۳۸۰). نظریه‌های گفتمان. ترجمه: حسینعلی نودری. تهران: فرهنگ گفتمان، ص ۲۲.

مهاجر. مهران و نبوی. محمد (۱۳۷۶). بسوی زبان‌شناسی شعر: رهیافتی نقشگرا. تهران: مرکز، ص ۶۴.

میرفخرایی. تژا (۱۳۸۴). فرایند تحلیل گفتمان. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها (مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها)، ص ۱۱.

مینوی خرد (۱۳۵۴). ترجمه: احمد تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص ۷۴ - ۷۵.

هزیود (۱۳۹۳). تئوگونی هسیودس ترجمه و شرح: فریده فرنودفر. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران (نسخه الکترونیکی فیدیبو).

یارشاطر. احسان (۱۳۵۳). برگزیده داستانهای شاهنامه. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۱۷.

یارمحمدی. لطف‌الله (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس، ص ۸۹.
بورگنسن. ماریانه و فیلیپس. لوئیز (۱۳۹۶). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. ترجمه: هادی جلیلی. چاپ هفتم.
تهران: نی، صص ۱۱۷-۱۲۹.

معرفی نویسندگان

شکیبا ملکشاهی: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
(Email: shakibamalekshahi8@gmail.com)
(ORCID: 0009-0003-5430-9708)

حسین بیات: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول: h.bayat@khu.ac.ir)
(ORCID: 0000-0001-6032-163x)

ناصرقلی سارلی: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.
(Email: sarli@khu.ac.ir)
(ORCID: 0000-0003-1980-604x)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

Introducing the authors

Shakiba Malekshahi: PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

(Email: shakibamalekshahi8@gmail.com)
(ORCID: 0009-0003-5430-9708)

Hossein Bayat: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

(Email: h.bayat@khu.ac.ir : Responsible author)
(ORCID: 0000-0001-6032-163x)

Nasergholi Sarli: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Tehran, Iran.

(Email: sarli@khu.ac.ir)
(ORCID: 0000-0003-1980-604x)